



## غرب‌زدگی شبه‌مدن فاجعه‌بارتر از سیطره مدرنیته غربی است

غرب‌زدگی شبه‌مدن فاجعه‌بارتر و تلخ‌تر از سیطره مدرنیته غربی و یا غرب‌زدگی مدرن است و همه معایب و تناقضات و مشکلات و بحران‌های ذاتی و انحطاط ویرانگر مدرنیته غربی یا غرب‌زده را دارد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به نقل از روابط عمومی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، هجدهم شهریور سالروز درگذشت نویسنده توانا و هنرمند متعهد کشور جلال آل احمد است. مقاله زیر توسط «شهیار زرنشاس» عضو هیئت علمی گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی درباره حماسه جلال آل احمد و رویکرد او به غرب‌زدگی و روشنفکری نوشته شده است. در این متن بخشی از این مقاله را می‌خوانید.

غرب‌زدگی شبه‌مدن بی‌تردید هزاران بار فاجعه‌بارتر و تلخ‌تر و آفت‌زاتر و مهیب‌تر از سیطره ویرانگر مدرنیته غربی و یا غرب‌زدگی مدرن است و همه معایب و تناقضات و مشکلات و بحران‌های ذاتی و انحطاط ویرانگر مدرنیته غربی یا غرب‌زده را دارد و در عین حال آفات و مشکلات و کاستی‌های ذاتی و گسسته خردی و سطحیت و تقلیدگری ظاهرگرایانه و ده‌ها مشکل ذاتی دیگر با خود دارد که «وضعیت شبه‌مدن» را هم از شرایط تاریخ تمدن کلاسیک ایران و نیز حتی از غرب مدرن و پسامدرن خودویرانگر بحران‌زده و منحط نیز به مراتب فاجعه‌بارتر می‌کند. دوران صدساله سیطره فرماسیون شبه‌مدن بر ایران تلخ‌ترین شب ظلمانی تاریخ مردم ما و تونل وحشت پرفشار و هولناک و ویرانگر این سرزمین در درازای تاریخ خود بوده و هست.

در این میان نقش و کارکرد سیدجلال آل‌احمد به نحوی خاص و منحصر به فرد و از جهاتی بسیار پرتنبن بوده است. جلال، فرزند يك خانواده‌ی مذهبی و روحانی و پرورش‌یافته در يك محیط سنتی بود. در جوانی پیرو یکی از افراطی‌ترین ایدئولوژی‌های سکولار مدرنیستی؛ یعنی مارکسیسم و ماتریالیسم لخت و عریان آن گردید. اما مدتی بعد مشاهده‌ی روابط بوروکراتیک و مستبدانه حزبی و عمق وابستگی جریان مارکسیستی آن روز ایران (حزب توده) به امپریالیزم شوروی، او را از مارکسیسم حزبی سرخورده کرد. مدتی در پی گرایش‌های اگزیستانسیالیستی و رویکرد به اصطلاح «سوسیالیسم بومی» مدل «خلیل ملکی» و «نیروی سوم» به راه افتاد و به ترجمه آثاری چون بیگانه و سوءتفاهم اثر آبر کامو و بازگشت از شوروی و مائده‌های زمینی از آندره ژید پرداخت. شکست خیانت‌بار جبهه ملی و جریان روشن‌فکری ناسیونال - لیبرالیست ایران در کودتای 28 مرداد و وقایع پس از آن و تأمل و ژرف‌اندیشی در ریشه‌های جدی و عمیق مشکل وابستگی و اسارت ایران در چنگال امپریالیسم جهانی و نیز آشنایی با عقاید مرحوم دکتر سیداحمد فردید در خصوص غرب‌زدگی و آغاز حرکت حماسی و رادیکال مرجعیت شیعه علیه رژیم شاه و اصلاحات آمریکایی دیکته شده از طرف کندی و در دفاع از استقلال سیاسی و هویت تاریخی مردم ایران، جلال را به مرحله‌ای متفاوت و رویکردی نوین نسبت به مسائل و مشکلات جامعه ایران در ارتباط با سلطه استعماری غرب مدرن و نقش و کارکرد جریان روشن‌فکری ایران رساند.

در واقع جلال تدریجاً و به دلیل صداقت و انصاف و حقیقت‌جویی و شجاعت ذاتی و نیز پیشینه و تعلقات دینی و سنتی و ظرفیت ژرف‌اندیشی در وقایع تاریخ معاصر ایران و ریشه‌های فکری و فرهنگی آن و بهره‌مندی از برخی جلوه‌های اندیشه حکمت معنوی فردیدی و نقادی فلسفی نسبت به غرب مدرن و نیز عبرت‌آموزی از عمل‌کرد زیونانه و هم‌سویی جریان روشن‌فکری ایران در ارتباط با رژیم شاه و ذول استعماری (ابراهیم گلستان و خانلری و سیار به طریقی و فریدون توللی و عیسی سپهبدی و حتی خلیل ملکی و خنجی به شیوه‌های دیگر) و در مقابل مشاهده و آموختن از قیام خونین و استقلال‌طلبانه روحانیت شیعه علیه استبداد و استعمار غربی به نتایج و جمع‌بندی‌های جدید و مهمی رسید که تا حدود زیادی زمینه‌های جدایی او از رویکرد غالب کاست روشن‌فکری ایران و غرب‌زدگی حاکم بر آن را برای او فراهم کرد.

این‌گونه بود که آخرین مرحله تحول و بلوغ فکری جلال آل‌احمد رخ می‌نماید و به او این امکان بزرگ و استثنایی را می‌دهد تا با خارج شده از پيله خودستایی‌های مدرنیستی روشن‌فکرانه مشکل اصلی و جدی جامعه ایرانی و علت اصلی اسارت و ذلت و خودباختگی آن؛ یعنی غرب‌زدگی را دریابد و شجاعانه و صریح و منصفانه بر رویه و رویکرد استعماری و غرب‌زده روشن‌فکری عصر مشروطه و برخی مقاطع دیگر ایران بتازد.

این کاری بزرگ بود که انجام آن منوط به فرا رفتن از حصار بسته و خودباخته مشهورات روشن‌فکرانه و سطحیت ملازم آن بود و نیز شجاعتی بی‌نظیر در پافشاری بر سخن حق و نترسیدن از انگ‌ها و فشارها را می‌طلبید که در جلال آل‌احمد وجود داشت.